

رابطه خلاقیت و تاب آوری کودکان کار

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۲/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۳/۲۱

نویسندگان

صابره صادقی

گروه آموزشی مددکاری اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، ایران

معصومه معارف وند*

گروه آموزشی مددکاری اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، ایران
ma.maarefvand@uswr.ac.ir

آزاده شجاع

گروه آموزشی مددکاری اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، ایران

* نویسنده مسئول

چکیده

مقدمه: کودکان کار در معرض مخاطرات متعددی قرار دارند و تاب آوری در شرایط پرخطر در مورد آنها از اهمیت بسیاری برخوردار است. این پژوهش با هدف بررسی رابطه خلاقیت و تاب آوری در کودکان کار تهران انجام شد.

روش: این مطالعه از نوع پس رویدادی بود. کلیه کودکان

کار مراجعه کننده به موسسه های خدمت دهنده به کودکان کار شامل رویش نهال جوان فرحزاد، خانه علم فرحزاد، خانه ای برای آینده، خانه کودک شوش و ناصر خسرو که شرایط شرکت در پژوهش را داشتند، به شیوه تمام شماری وارد پژوهش شدند. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه های تاب آوری کانر-دیویدسون و خلاقیت برگرفته از مقیاس خلاقیت عابدی استفاده شد. داده ها با استفاده از شاخص های توصیفی و ضریب همبستگی پیرسون تحلیل شدند.

یافته ها: ۱۰۱ نفر کودک کار ۲۶ (۲۵/۷٪) دختر و ۷۵ (۷۴/۳٪) پسر وارد پژوهش شدند. اغلب آنها افغان بودند (۸۹/۱٪) و در خانوارهای ۵ تا ۱۰ نفری زندگی می کردند (۵۷/۴٪). آنها به کار کارگاهی (۴۲/۶٪)، کار خیابانی (۳۷/۶٪) و کار خانگی (۱۹/۸٪) مشغول بودند. رابطه معناداری میان خلاقیت و تاب آوری کودکان کار مشاهده نشد و تنها در یکی از خرده مقیاس های خلاقیت رابطه معنادار مشاهده شد؛ کودکان کاری که در خرده مقیاس بسط امتیاز بیشتری بدست آوردند، تاب آوری بیشتری را نیز گزارش کردند ($r=0.269, p=0.007$).

بحث و نتیجه گیری: به نظر می رسد پرورش خلاقیت کودکان کار در خرده مقیاس بسط می تواند به تاب آوری بیشتر کودکان کار منجر شود.

Relation of Creativity and Resiliency in Child Laborers

Study Type: Original
Received: 15 May 2014
Accepted: 11 Jun 2014

Keywords

Creativity

Resiliency

Child Laborer

Abstract

Introduction: Child laborers are exposed to numerous hazards and resilience in high risk situation are so importance. This research was conducted to study the relation of creativity and resiliency of child laborers in Tehran.

Methodology: this research was done with retrospective method. All the child laborers who had the qualifications for research and visited child laborers social service institutes, Royesh Nhaal Javan Farahzad, Khane Elm Farahzad, Khane Baraye Ayande, Khane Koodakan Shoosh and Naser Khosro were enrolled in the study. The Conner-Davidson Resiliency Survey and adapted Abedi's Creativity scale were applied to collecting data. Data were analyzed by employing descriptive parameters and Pearson test.

Results: 101 child laborers (26 girls (25.7%) and 75 boys (74.3%)) were enrolled in the research. Mostly were Afghans and lived in large families of 5 to 10 (57.4%). they worked as workshop (42.6%) street labor (37.6%) and in domestic (19.8%) laborers. No meaningful coloration between creativity and resiliency was in only except one subscale. Child laborers who scored higher in subscale expansion reported more resiliency ($r=0.007$, $p=0.269$).

Conclusions: It seems that training creativity in expansion subscale for child laborers could results their higher resiliency.

Authors

Sabbere Sadeghi

Department of Social Work, University of Social Welfare and Rehabilitation sciences, Tehran, Iran

Masoomeh Maarefvand*

Department of Social Work, University of Social Welfare and Rehabilitation sciences, Tehran, Iran
ma.maarefvand@uswr.ac.ir

Azadeh Shoja

Department of Social Work, University of Social Welfare and Rehabilitation sciences, Tehran, Iran

* Corresponding Author

Please cite this article as follows:

Maarefvand M, Ghasemi S. Relation of Creativity and Resiliency in Child Laborers. Quarterly Journal of Social Work.2014; 3 (1):10-15

مقدمه

پدیده کودکان کار یکی از معضلات گریبانگیر اکثر شهرهای بزرگ در جهان معاصر است. گسترش این پدیده به حدی است که جوامع توسعه یافته و در حال توسعه را به یک اندازه به خود مشغول کرده است (حسینی، ۱۳۸۴).

آخرین گزارش جهانی سازمان بین‌المللی کار درباره کار کودکان نشان می‌دهد، تعداد کودکان کار تا سال ۲۰۰۰ از ۲۴۶ میلیون نفر به ۱۶۸ میلیون نفر (یک سوم جمعیت) کاهش یافته است و بیش از نیمی از آنان (حدوداً ۸۵ میلیون نفر) در معرض کار در شرایط خطرناک هستند. با وجود این رشد مثبت، منطقه‌های آسیا و اقیانوسیه هنوز با چالش‌های عمده‌ای مواجه هستند زیرا در حال حاضر تعداد کودکان در حال کار در این مناطق بیشترین میزان را دارد و ۹/۳ درصد جمعیت کودکان (حدوداً ۷۸ میلیون نفر) در منطقه را شامل می‌شود (ILO: IPEC, 2013).

در کشور ما آمار و اطلاعات دقیقی از تعداد کودکان کار وجود ندارد و آمارهای موجود نیز غالباً یا به تخمین تعداد کودکان کار خیابان پرداخته و یا آماری از کودکان خیابانی است که هیچ کدام تبیین‌کننده تعداد کودکان کار (با توجه به طبقه‌بندی این کودکان به کار خیابانی، کار گاهی، خانگی و سایر کارها) در ایران نیست چرا که تعریف کودکان خیابانی با کودک کار به طور کلی متفاوت می‌باشد. در واقع با وجود اینکه اغلب تحقیقات انجام شده در زمینه کودکان در معرض آسیب و به ویژه کودکان کار در ایران، از واژه «کودکان خیابانی» در ادبیات خود استفاده می‌کنند اما باید اظهار نمود که حدوداً ۹۰ درصد کودکانی که غالباً خیابانی نامیده می‌شوند دارای خانه و کاشانه و سرپرست بوده و صرفاً روزها در خیابان به کار می‌پردازند و شب‌ها به خانه باز می‌گردند. در واقع در کشور ما آنچه که در تعاریف آژانس‌های بین‌المللی از آن به کودکان خیابان یاد می‌شود وجود ندارد و ما پدیده کودکان کار خیابانی داریم (حسینی، ۱۳۸۴).

آمارهای غیر رسمی تعداد کودکان خیابانی را بین چهارصد هزار تا یک میلیون نفر برآورد می‌کند (کاشفی، ۱۳۷۸؛ نقل از قاسم زاده، ۱۳۸۰). همانطور که ذکر آن در آمارهای سطور بالاتر رفت، در دنیای امروز، وجود کودکان در معرض آسیب افزایش پیدا کرده است و این سوال مطرح می‌شود که چگونه می‌توان از وقوع آن پیشگیری کرد یا عوامل خطر را کاهش داد؟ (خزائی پارسا، ۱۳۸۹). برای پاسخ به سوال فوق، باید به تاریخچه این سوال در ادبیات آسیب شناسی روانی-اجتماعی مراجعه نمود که نشان می‌دهد در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم می‌توان ورود سازه تاب آوری را

به عرصه ادبیات روانشناسی تحولی، انقلابی نو در نحوه نگرش روانشناسان، روان درمانگران، روان پزشکان و مددجویان به شمار آورد، به گونه‌ای که پیش از این برای کودکانی که در معرض سوءاستفاده قرار می‌گرفتند یا شرایط ناگوار زندگی را تجربه کرده بودند آینده‌ای تاریک و نه چندان خوشایند، متصور می‌شدند. اما شناسایی تاب آوری، بینشی دگرگون و امیدوارانه برای ساختن فردای این کودکان و نجات بزرگسالان پدید آورد (لمی و غزل، ۲۰۰۱). در واقع تاب آوری پاسخ همان سوالی است که می‌پرسد چگونه می‌توان از وقوع آسیب پیشگیری کرد یا عوامل خطر را کاهش داد. تاب آور کسی است که در معرض آسیب قرار می‌گیرد ولی دچار اختلال نمی‌شود و مفهومی است که اخیراً در حوزه پیشگیری از اعتیاد و سایر اختلالات روانی و آسیب‌ها مطرح شده و می‌تواند کلید پیشگیری باشد. از دهه ۱۹۶۰ میلادی تا کنون، تاب آوری به عنوان کلیدی محافظتی در برابر عوامل خطرآفرین ارائه گردید. این مفهوم دارای هفت جنبه اساسی از قبیل: بینش، اتکا به خود، برقراری ارتباط، قوه ابتکار، خلاقیت، شوخ طبعی و پرهیزکاری، است. یافته‌های مطالعات تاب آوری حاکی از آن است که بزرگترین تهدیدها برای افراد، شرایط ناگوار و مخاطراتی هستند که نظام‌های حفاظتی عمده انسانی را برای رشد تخریب می‌کنند. به دیگر کلام، برای ارتقاء شایستگی و تاب آوری کودکان در معرض خطر باید بر راهبردهایی برای پیشگیری، اصلاح و جبران تهدیدهای صورت گرفته نسبت به این سیستم‌های اصلی تمرکز نمود (اعظمی و همکاران، ۱۳۹۱) و این موضوع، اهمیت پرداختن به هریک از جنبه‌های تاب آوری به صورت خاص را عنوان می‌کند. از طرفی دیگر پژوهشگران حیطه خلاقیت اعتقاد دارند هر عمل خلاقانه‌ای متضمن

ویرانی وضعیت پیشین است و همین گونه است که ایجاد انواع جدیدی از روابط علی به حذف آنچه از قبل مقرر بوده است نیاز دارد. افراد تاب آور به طور خلاقانه رابطه قدیمی (شرایط ناگوار یا همان آسیب روانی) را حذف نموده و با تغییر ساختاری جدید از شرایط پرمخاطره، رشد و بالندگی را جایگزین نموده‌اند (زوست، ۲۰۱۰؛ نقل از بشارت و عباسپور، ۱۳۸۹). به همین دلیل، در شرایط کنونی، مسئله‌ی خلاقیت از مسائل مهم به شمار می‌رود و بدین منوال می‌توان اهمیت و ضرورت بررسی رابطه خلاقیت

(به عنوان ملاکی برای حل مسئله در کودکان) و تاب آوری (به عنوان ملاکی از عوامل حفاظتی سلامت کودک در برابر آسیب‌ها) را چنین بیان نمود که خلاقیت، کنار آمدن فرد با موقعیت‌های دشوار است (اعظمی و همکاران، ۱۳۹۱) و کودک تاب آور کسی است که قادر به سازگاری سریع و شناخت وضعیت و فهم روشن آنچه اتفاق افتاده است باشد (خزائی پارسا، ۱۳۸۹) و بنظر می‌رسد که رابطه تنگاتنگی بین این دو می‌تواند وجود داشته باشد، رابطه‌ای که شاید در آن هریک بتواند تسهیل گر دیگری بوده و به نوبه خود از عوامل خطر آفرینی که کودک در معرض آسیب را تهدید می‌کند بکاهد. در واقع سوال اصلی این پژوهش این است که آیا بین تاب آوری و خلاقیت کودکان کار رابطه معناداری وجود دارد؟

روش

جامعه آماری و روش نمونه گیری: جامعه آماری این پژوهش شامل کودکان کار مراجعه کننده به موسسات رویش نهال جوان فرحزاد، خانه علم فرحزاد، خانه کودک شوش، خانه کودک ناصر خسرو و خانه ای برای آینده بودند. نمونه گیری به صورت تمام شماری انجام گرفت به این معنا که کلیه کودکان کاری که در مدت نمونه گیری که از اردیبهشت تا مرداد ماه ۱۳۹۳ طول کشید، به موسسات مذکور مراجعه کردند و معیارهای ورود به پژوهش (دارا بودن سن زیر ۱۸ سال تمام، اشتغال به یکی از کارهای خیابانی، خانگی، کارگاهی و نظایر آن، داشتن مربی در موسسه، شناخت کافی از کودک، توسط مربی و تمایل به شرکت) را دارا بودند وارد نمونه شدند.

از کلیه شرکت کنندگان در پژوهش رضایت آگاهانه شفاهی فارغ از هر گونه اجبار، تهدید، تطمیع و اغوا اخذ شد. آزمودنی در معرض ضرر و زیان غیر معقول به دلیل ارجحیت منافع جامعه یا پیشرفت علوم قرار گرفته نشد و محدودیتی در اعمال اراده و اختیار او ایجاد نشد. نحوه ارائه گزارش و اعلام نتیجه تحقیق متضمن رعایت حقوق مادی و معنوی عناصر ذریبط (آزمودنی، پژوهشگر، پژوهش و سازمان مربوطه) بود. قبل از انجام تحقیق، اقدامات لازم از قبیل هماهنگی و برنامه ریزی با موسسات مربوطه انجام گردید و در صورت بروز خسارت غیر متعارف، مسئولیت های مربوط به محقق و موسسات تعریف شد. آن دسته از ضرر و زیان هایی که آزمودنی به اقتضای موقعیت و شرایط شغلی، سنی، زمانی و مکانی با آن ها مواجه بود توسط محقق مورد توجه قرار گرفت و کودکان کاری که در زمان تحقیق مشغول به کار بودند به اجبار در تحقیق شرکت داده نشدند.

ابزار اندازه گیری و روش جمع آوری داده ها: در این پژوهش به منظور اندازه گیری متغیرهای مورد نظر از ابزارهای زیر استفاده شده است:

الف) مقیاس تاب آوری کانر و دیویدسون: نتایج مطالعه مقدماتی مربوط به ویژگی های روان سنجی این مقیاس، پایایی و روایی آن را تایید کرده است. همسانی درونی، پایایی باز آزمایی و روایی همگرا و واگرای مقیاس، کافی گزارش شده‌اند و گرچه نتایج تحلیل عاملی اکتشافی وجود پنج عامل (شایستگی، استحکام شخصی، اعتماد به غرایز شخصی، تحمل عواطف منفی، پذیرش مثبت عواطف، روابط ایمن، مهار، معنویت) را برای مقیاس تاب آوری تایید کرده است، چون پایایی و روایی زیرمقیاس ها هنوز به طور قطعی تایید نشده است در حال حاضر فقط نمره کلی تاب آوری برای هدف های پژوهشی معتبر محسوب می شوند (کانر و دیویدسون، ۲۰۰۳؛ نقل از بشارت و عباسپور، ۱۳۸۹).

ب) پرسشنامه سنجش میزان خلاقیت کودکان از نظر مریان: اعتبار این پرسشنامه که از خلاقیت عابدی مستخرج گردیده بررسی شده است. برای این کار از روش ضریب همسانی درونی و آلفای کرونباخ استفاده شد. این ضریب

برای بخش های سیالی، ابتکار، انعطاف پذیری و بسط به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۶۷، ۰/۶۱ و ۰/۶۱ بود. نتایج حاصل از کاربرد روش تحلیل عاملی نشان می دهد که تست سنجش خلاقیت از روایی همزمان قابل قبولی برخوردار است. پایایی این فرم از پرسشنامه هنوز محاسبه نگردیده است اما به راحتی می توان با استفاده از آزمون ضریب آلفای کرونباخ آن را محاسبه کرد (ساعتچی و همکاران، ۱۳۸۹).

در این تحقیق، با مراجعه و هماهنگی لازم با مسئولین مراکز مورد نظر جمع آوری نمونه ها، بطور شفاف و روشن در خصوص شرایط ورود مراجعین به این پژوهش توضیحات لازم ارائه داده شد و از مسئولین پذیرش درخواست گردید مراجعینی که شرایط اولیه را برای ورود به این پژوهش داشتند به پژوهشگر معرفی کنند. اگر آن ها شرایط ورود به مطالعه را داشتند ابتدا در خصوص پژوهش توضیحاتی ارائه

می شد و در صورت تمایل، پرسشنامه ها به روش خود ایفایی تکمیل شدند و پژوهشگر نیز به عنوان تسهیل گر حضور داشت. پس از جمع آوری داده ها، و تجزیه و تحلیل آماری داده ها گزارش نهایی تدوین شد.

روش آماری تحلیل داده ها:

پژوهش علاوه بر محاسبه شاخص های میانگین، انحراف استاندارد معیار و انحراف استاندارد میانگین، به منظور نشان دادن رابطه متغیرهای تحقیق از روش ضریب همبستگی پیرسون، استفاده شده است.

یافته ها

تعداد کل نمونه مورد مطالعه در این پژوهش ۱۰۱ نفر کودک کار بودند که از لحاظ برخی ویژگی های دموگرافیک نظیر سن، جنسیت، نوع کار، داشتن کارفرما، در قید حیات بودن سرپرست، سابقه دریافت آموزش غیر از سوادآموزی، تابعیت و بعدخانوار موردبررسی قرار گرفتند و نتایج آن طبق جدول روبرو بدست آمد:

یافته های مربوط به فرضیه اصلی این پژوهش نشان داد به دلیل اینکه سطح معناداری (۰/۰۵۵)، بیشتر از ۰/۰۵ است رابطه معناداری میان خلاقیت و تاب آوری کودکان کار مشاهده نشد و تنها در یکی از خرده مقیاس های خلاقیت، این رابطه یافت شد؛ کودکان کاری که در خرده مقیاس بسط امتیاز بیشتری بدست آوردند، تاب آوری بیشتری را نیز گزارش کردند ($r=0.269$, $p=0.007$). این بدان معناست که میان تاب آوری و خرده مقیاس بسط خلاقیت، رابطه معناداری وجود دارد و این بدان معنی است که هرچه میزان خلاقیت کودکان کار در مقیاس بسط بالاتر باشد، میزان تاب آوری آن ها نیز بالاتر است.

جدول			
Mean±SD	درصد فراوانی	فراوانی	متغیر
۱۲/۷۱±۲/۳۱	۳۳/۷	۳۴	۱۲-۱۴
	۱۱/۹	۱۲	۱۴-۱۶
	۷/۹	۸	۱۶-۱۸
	۲۵/۷	۲۶	دختر
	۷۴/۳	۷۵	پسر
	۴۲/۶	۴۳	کارگاهی
	۳۷/۶	۳۸	خیابانی
	۱۹/۸	۲۰	خانگی
	۳۶/۶	۳۷	بله
	۶۳/۴	۶۴	خیر
	۸۷/۱	۸۸	بله
	۱۱/۹	۱۲	خیر
	۲۹/۷	۳۰	بله
	۷۰/۳	۷۱	خیر
	۱۰/۹	۱۱	ایرانی
	۸۹/۱	۹۰	افغان
۶/۶۴±۲/۲۷	۴۰/۶	۴۱	زیر ۵ نفر
	۵۷/۴	۵۸	۵ تا ۱۰ نفر
	۰	۰	۱۰ تا ۱۵ نفر
	۲	۲	۱۵ تا ۲۰ نفر

بحث و نتیجه گیری

در قانون کار ایران به کار گماردن افراد زیر ۱۵ سال تمام، ممنوع است (ماده ۷۹ قانون کار) اما توزیع فراوانی کودکان کار از نظر سن در پژوهش حاضر نشان می دهد کودکانی هستند که علی رغم ممنوعیت قانونی، در سنین زیر ۱۵ سال کار می کنند که نمی توان با خیابانی خواندن این کودکان، آنان را بخشی از چرخه کار بحساب نیاورد. در واقع پیش از آنکه به مسئله موردنظر که کودکان کار است پردازیم درست است که به تعریف درستی از آن مسئله دست یابیم. سپس همانگونه که از نظر گذشت پژوهش های بسیاری بر فطری و بالقوه بودن و از طرفی آموزش پذیری سه متغیر تاب آوری، فراشناخت و خلاقیت تاکید داشته اند لذا این مسئله به ذهن خواننده خطور می کند که به چه طریق

می‌توان این سازه‌ها را پرورش داد و پی‌برد که رابطه میان آن‌ها به چه میزان و چگونه است (بشارت و عباسپور، ۱۳۸۹). هدف این پژوهش، بررسی رابطه تاب‌آوری و خلاقیت در کودکان کار

مراجعه‌کننده به مراکز خدمت‌دهنده کودکان کار تهران بود و نتایج حاصل از یافته‌های این پژوهش نشان‌داد که تاب‌آوری با میانگین نمره کل خلاقیت در کودکان کار، رابطه معناداری ندارد ولی با یکی از خرده‌مقیاس‌های خلاقیت یعنی مقیاس بسط، رابطه مثبت معناداری دارد.

پیشینه تحقیق

پیشینه تحقیقات تاب‌آوری، بر وجود خلاقیت به عنوان یکی از مقیاس‌های تاب‌آوری تاکید کرده‌اند. اما پژوهش‌های بسیار کمی وجود دارد که به بررسی رابطه خلاقیت با تاب‌آوری به ویژه در نمونه انتخابی در این پژوهش پرداخته باشد. تنها در تحقیقی (بشارت و عباسپور، ۱۳۸۹) که روی ۳۸۶ نفر از دانشجویان انجام شده، بیان گردیده که میان تاب‌آوری و خلاقیت در دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد و این فرضیه در نمونه مورد نظر آن‌ها به تایید رسیده که البته ابزار سنجش خلاقیت در آن تحقیق، با تحقیق حاضر متفاوت بوده است که شاید یکی از دلایل تفاوت نتیجه‌ها همین امر باشد. زیرا به دلیل عدم دسترسی به ابزاری مناسب جهت سنجش میزان خلاقیت کودکان کار، از ابزاری استفاده شد که این متغیر را توسط مربیان این کودکان مورد سنجش قرار دهد که این ابزار متناسب‌ترین ابزار در دسترس محقق بود.

محدودیت‌ها

از محدودیت‌هایی که در این پژوهش برسر راه محقق وجود داشت می‌توان از مواردی نظیر عدم دسترسی آسان به گروه هدف، نامفهوم و گنگ بودن برخی سوالات در ابزار سنجش تاب‌آوری برای گروه کودکان کار و نبودن ابزار مناسب جهت سنجش خلاقیت کودکان کار و محدودیت‌هایی نظیر عدم شناخت کافی مربیان از کودکان، نامفهوم بودن برخی سوالات و ... نام برد. تعیین نقطه برش برای پرسشنامه‌های خلاقیت و تاب‌آوری استفاده شده در این پژوهش و هم چنین ساختن ابزاری مناسب جهت سنجش تاب‌آوری در کودکان و به ویژه کودکان با شرایط ویژه، نظیر کودکان بی‌سواد و ساختن ابزاری مناسب جهت سنجش خلاقیت کودکان کار توسط خود آن‌ها در سنین بالاتر از سن پیش‌دبستانی می‌توانند دست‌مایه پژوهش‌های بعدی در این حوزه قرار گیرند. در عین حال به نظر می‌رسد طراحی مداخلات در زمینه مقیاس بسط خلاقیت کودکان کار در راستای افزایش تاب‌آوری آن‌ها نیز می‌تواند در دستور کار جهت ارائه خدمات پیشگیرانه به کودکان کار قرار گیرد.

سپاس‌گذاری

از مسئولان محترم موسسات رویش نهال جوان محله فرحزاد، جمعیت دانشجویی امام علی علیه السلام، خانه علم فرحزاد، خانه‌ای برای آینده، انجمن حمایت از حقوق کودک و خانه کودک شوش و ناصر خسرو که با همکاری‌های خود در به اتمام رسانیدن این پژوهش سهم بسزایی داشته‌اند، سپاسگزاریم.

منابع

- Azami, Mahmood; Jafari, Alireza; Karimi. Nahid. (1391). A Research on Coloration between Training of Life Skills and Increase of Creativity of children in Elementary School. Journal of Initiative and Creativity in Social Sciences, 3: 27-43.
- Besharat, mohammad ali and Abbaspour Dopiani, Tahere. (1389). Relation of Strategies and Metacognitive and Creativity with resiliency in University Students. Journal of New Findings in Psychology, 122-109.
- Ghasem Zade, Fatemeh. (1378). Street Children in Tehran, Social Welfare Quarterly, 7: 249-263.
- Hoseini, Hasan. (1384). Street child labor condition in Iran. Social Welfare Quarterly. 19: 155-173.
- Khazaeli, Parsa. (1389). Resiliency and Its Role in Child Health Promotion. Healthy Iran Mag, 27: 27-29.
- Lemey, R & Ghazal, H. (2001). Resilience and positive psychology: Finding hope, child and family, 5(1), 10-12.
- Saatchi, Mahmood and Kamkari, Kambiz. (1389). Psychological Tests. Tehran: Virayesh Publications.